

یک گلوله تا پرواز

سید علی حسینی منجزی



نشر ستارگان همدان

۱۳۸۹

سرشناسه :	حسینی منجری ، علی . ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور :	یک گلوله تا پرواز علی حسینی منجری
مشخصات نشر :	اصفهان: ستارگان درخشان / پاسداران انقلاب اسلامی (اصفهان)، سپاه صاحب الزمان (عج)، موسسه حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس . ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری :	۱ ج. (بدون شماره گذاری)؛ مقصور.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۹۸-۰۵-۰۰
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	جنگ ایران و عراق . ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات والفجر
موضوع :	جنگ ایران و عراق . ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات
شناسه افزوده :	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (اصفهان)، سپاه صاحب الزمان (عج)، موسسه حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس
زده بشی کنگره :	DSR ۱۶۰۶ / ۴۶-۱۳۸۹
زده بندی دیویی :	۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی :	۳۷۶۵۸۱۲

یک گلوله تا پرواز

سید علی حسینی منجری

ناشر : ستارگان درخشان (وابسته به مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه صاحب الزمان (عج) استان اصفهان)

طرح جلد : حامد مغروری

تایپ : م. شهیدی

صفحه آرای: گروه فرهنگی الف

چاپ اول : بهمن ماه ۱۳۸۹

شمارگان : ۳۰۰۰

چاپ: شریعت

مرکز بخش:

اصفهان نشر ستارگان درخشان: ۰۳۱۱-۲۴۰۱۷۷۰ و ۰۹۱۳۷۸۷۳۵۱۷

این کتاب با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان اصفهان منتشر شده است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	یک قدم تا پیروزی
۱۵	انهدام جیب های حامل کالبر ۵۰
۳۱	عبور از خط آتش
۴۱	شیشه ای در بغل سنگ
۴۷	آوردن نیروها و مهمات از ...
۵۵	انهدام سنگر تیر بار، شهادت محمد و مسعود
۶۷	داغ برادر را، برادر مرده می داند
۷۵	پایان چشم انتظاری
۹۳	بر بال ملائک
۱۱۱	تاجمیر فرهادی

حدیث ولایت

اگر رئیس علی ها در غربت به شهادت نمی رسیدند، امروز ملت ایران به این عظمت نمی رسید.

همچنان که اگر شما جوانان در دوران جنگ تحمیلی، به جنگ نمی رفتید و به جبهه خدمت نمی کردید و شهادت را به خود نمی پذیرفتید، امروز ایران و اسلام به این عظمت نمی بود.

شما جوانان به جبهه رفتید، شما مادران و پدران و همسران صبر کردید. شما جوانان، جبهه و پشت جبهه را آباد کردید، در یگانهای نظامی مبارزه کردید، خون مطهر بعضی از شما جوانان بر زمین ریخت و ملت ایران، در همه جا این شجاعت و مردانگی را از خودش نشان داد، نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که امروز در سطح عالم، پرچم پر افتخار اسلام و جمهوری اسلامی به اهتزاز در آمده است.

اگر خدای متعال، این تفضلی را که به ملت ایران کرده است، به ملت‌های دیگر در نقاط مختلف عالم هم، همین لطف و تفضل را بکند، اسلام کاخانی جاہلیت را در همه دنیا ویران خواهد کرد و مظلومان را نجات خواهد داد.

امام خامنه ای

حدیث ولایت - ج ۹ - ص ۱۳۷ و ۱۳۸

مقدمه

هر ساله، به مناسبت فرا رسیدن سالگرد هر عملیات از دوران دفاع مقدس، برنامه ای به عنوان بزرگداشت و تجلیل از نام و یاد شهدا و رزمندگانی که در آن عملیات شرکت داشتند و حماسه هایی آفریدند، برگزار می شود.

اهداف، دستاوردها، مناطق اجرای عملیات، میزان موفقیت رزمندگان، تلفات و خسارات به دشمن و ... تشریح می گردد. اما نمی دانم چرا هر ساله، بی سرو صدا و خاموش از کنار عملیات والفجر مقدماتی گذشته و هیچ ذکر و یادی از آن نمی شود. نمی دانم چرا، آیا چون عملیات در مرحله ی نهایی ناموفق بوده است؟

آیا چون به اهداف نهایی که تصرف چهار وجب خاک دشمن بوده نرسیدیم، یا چون نیروهای عملیاتی در شب پنجم عملیات به محاصره افتاده و قلع و قمع شدند؟

و یا ... و یا هر دلیل دیگری که دارد، من نمی دانم.

اما موفقیتیهایی که در این عملیات به دست آوردیم از جمله:

سرعت عمل، اقتدار، اراده‌ی پولادین و عزم شکست‌ناپذیری که سپاه اسلام از خود نشان داد و حماسه‌های ماندگار و عملیاتهای شهادت‌طلبانه‌ای که پاسداران گمنام و بسیجیان مظلوم از خود به نمایش نهادند، در تمام تاریخ جنگ تحمیلی باید کم‌نظیر باشد.

رزمندگان ایرانی در سخت‌ترین شرایط جوی و موقعیت جغرافیایی، عملیات تهاجمی خود را شروع کردند.

از مناطقی چون صحرای شن، تپه‌های رملی گرفته تا جنگل امقره، تا تنگه‌های صعب العبور و موانع خودتانیز متعددی، در زیر سخت‌ترین حمله‌ی آتش دشمن پیشروی کردند.

بعد از سه شبانه‌روز عملیات گسترده، به موانعی رسیدند که توسط طراحان و کارشناسان نظامی غربی و صهیونیستی ارایه و احداث گردیده بود.

موانعی که دشمن عبور از آنها را از محالات دانسته و می‌گفت:

«در طول تاریخ جنگهای کلاسیک و چریکی جهان، تاکنون هیچ نیرویی از چنین موانعی در زیر آتش نتوانسته عبور کند.»

اما رزمندگان نه در روز روشن، بلکه در شب تاریک و بارانی، در زیر سنگین‌ترین آتش توپخانه، کاتیوشا و انواع آتش‌بارها و از روی میادین گسترده‌ی انواع مین عبور کرده و تمامی آن موانع را در هم شکستند، از آنها گذشتند و به دیوارهای شهر العمارة رسیدند.

اعجاز عبور از این موانع تا این اندازه بود که بعد از به اسارت درآمدم، افران بعضی ما را قسم داده و می‌گفتند:

« شما را به خدا راستش را بگویید! شما با تانک و پای پیاده از این موانع عبور کردید؟ یا به وسیله ی بالگرد به این طرف منتقل شدید؟ نیروهای ما، روز روشن و از میان راههای علامت گذاری شده، باز هم از نزدیک شدن به آن موانع وحشت داشتند. شما چگونه از زمین فرش شده از انواع مین و زیر باران آتش سنگین، توانستید از این همه موانع عبور کنید؟ برای ما اصلاً قابل باور و توجیه نیست! شما دیگر چه موجوداتی هستید؟ شما انسانید یا جن؟! این، خمینی، با مغزهای شما چه کرده و از شما چه انسانهایی ساخته که از روی جنازه های خود سبقت می گیرید و به استقبال مرگ می آید؟ خیلی عجیب است! »

محاصره ی سپاه اسلام، با دادن اطلاعات کامل از جزئیات حمله و اهداف آن، توسط خائنان نفوذی و برخی دست اندرکاران وابسته صورت گرفت. حقیقتی که عراقیها به آن اعتراف کردند.

با این وجود، فرماندهان سپاه، به محض قرار گرفتن در محاصره، با سرعت عملی بی نظیر، در سخت ترین شرایط - که درگیری میان دو نیروی زرهی و پیاده از فاصله نزدیک آغاز گردید- موفق شدند ابتکار عمل را به دست بگیرند، عموم نیروها را از محاصره خارج کنند و با هدایت گردانهای ضربت و نیروهای از جان گذشته، سنگین ترین ضربات را در متن محاصره به دشمن وارد آوردند.

تا قبل از روشن شدن هوا، عده ای داوطلب در محاصره باقی ماندند و با دشمن درگیر شدند. تا عمده ی نیروهای پیاده و زرهی بتوانند به عقب بازگردند. با روشن شدن هوا، نبردی نابرابر و تنگاتنگ در گرفت. نبردی با حداقل امکانات، با نارنجک و سرنیزه و گاهی با سنگ و دست خالی و با چنگ و دندان، در مقابل نیروهای زرهی، هوانیروز و نیروهای پیاده و تا دندان مسلح دشمن آغاز گردید.

زیباترین حماسه های ماندگار، از جان گذشتگی های عاشقانه در نبردهای تن به تن و نبرد تن با تانک به تصویر کشیده شد که گوشه ای از حماسه ی عاشورا را به تصویر کشید و روی امام زمان را سفید کرد.

حماسه و مظلومیت هایی که اگر به تصویر کشیده شوند، تا ابد ایران زمین و هر ایرانی غیرتمندی به آنها فخر و مباهات می کنند.

رشادتهای عاشقانه ای که اگر ثبت شوند، تا ابد، پرچم عزت، شرف و اقتدار انقلاب اسلامی را برافراشته نگه خواهد داشت. اسوه ها و الگوهای کاملی از غیرت دینی، مردانگی در بنداری، ولایت مداری، وطن دوستی و حق پرستی که اگر به جوانان معرفی شوند، هر آسمان آزاده ای که طالب الگو باشد، آنان را برمی گزیند.

قدم در جای پایشان نهاده و جای خالی شان را پر می کنند، تا با همتی مردانه، راهشان را دنبال، به وصایایشان عمل و از دستاوردهایشان تا جان در بدن دارند، پاسداری کند. دفتری از خاطرات که پیش روی دارید، بادی از پایمردی ها و شهادت مظلومانه ی جمعی از فرزندان این سرزمین است که در محاصره و غربت تا آخرین نفس ایستادند، تا رمق در بدن داشتند، جنگیدند و مردانه به خاک افتادند، تا به ما درس غیرت و پایداری بیاموزند. روحشان شاد، راهشان پر رهرو باد.